

بررسی تأثیر طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خود شکوفایی تحصیلی دانش آموزان

علی اصغر تالهی^۱

محبوبه سلیمان پور عمران^{۲*}

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲)

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر "بررسی تأثیر طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خود شکوفایی تحصیلی دانش آموزان متوسطه" است. پژوهش علی-مقایسه‌ای، از نظر روش و ماهیت، از نوع توصیفی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان کلاس پنجم شهرستان شیروان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۲۵۵۰ نفر که طرح شهاب را نگذرانده‌اند و دانش آموزان کلاس ششم به تعداد ۲۱۰۰ نفر که طرح شهاب را گذرانده‌اند و نمونه آماری با استفاده از جدول گرجسی-مورگان به ترتیب برابر ۳۳۴ و ۳۲۵ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش توسط دو پرسشنامه فرصت برابر آموزش جوانمرد (۱۳۹۳) و خود شکوفایی تحصیلی اهواز (۱۳۸۷) جمع‌آوری شده است که روایی آن‌ها از نوع صوری و محتوایی بود و مورد تأیید اساتید قرار گرفت و پایایی آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب (۰/۷۱) و (۰/۸۷) برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از (جدول توزیع فراوانی، نمودار، میانگین، انحراف معیار و محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و در بخش آمار استنباطی از روش آزمون T با استفاده از نرم افزار آماری spss21 استفاده شد. نتایج نشان داد که با اطمینان ۹۹ درصد، طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خود شکوفایی تحصیلی در دانش آموزان پایه ششم شهرستان شیروان که این دوره‌ها را گذرانده‌اند، تأثیر گذار بود. می‌توان نتیجه گرفت که هدایت همه استعداد های برتر می‌تواند گام مهمی در جهت فرصت برابر آموزش و خود شکوفایی تحصیلی باشد.

کلمات کلیدی: خود شکوفایی تحصیلی، طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر (شهاب)، فرصت برابر آموزش.

^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، خراسان شمالی، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، خراسانی شمالی، ایران.

۱. مقدمه

آموزش^۱ همواره از دغدغه‌ی دولت‌ها بوده و در زمره‌ی مهم‌ترین سیاست‌های عمومی قرار داشته است (۱). امروزه حق برخورداری از آموزش به مفهوم برخورداری از آموزشی است که دارای کیفیت مطلوبی باشد. به همین جهت تمامی استراتژی‌هایی که در زمینه‌ی همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می‌رود، یک هدف را دنبال می‌کنند و آن برخورداری برای همگان از فرصت‌های آموزش با کیفیت مطلوب می‌باشد (۲). در شرایط مطلوب، آموزش، فرصت بهره‌وری را برای شخص و در نهایت برای جامعه فراهم می‌آورد (۳). برابری آموزشی نقش اساسی در افزایش اعتماد به نفس، آینده شغلی، پایگاه اجتماعی و اجتماعی شدن افراد دارد (۴). بر همین اساس، کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، درصدد هستند برای دسترسی همگان به نظام آموزشی با کیفیت بالا، فرصت‌های برابری ایجاد کنند؛ چرا که یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی، برقراری فرصت‌های یکسان برای دسترسی آحاد جامعه به آموزش و پرورش است؛ در این میان، فراهم آوردن شانس مساوی نظیر شانس ورود به نظام آموزشی و مدرسه‌ی بهتر، دسترسی به منابع موجود در نظام آموزشی (همانند معلم، متخصص، فضا و تجهیزات آموزشی مناسب و برخورداری از عملکرد مطلوب آموزش) از جهات متعدد حائز اهمیت است (۵). آموزش یکی از مهم‌ترین ابزار توزیع رفاه و فرصت‌های اقتصادی در جوامع است. فراهم آوردن فرصت‌های برابر در آموزش^۲، تحرک عمودی (اجتماعی) و تحرک اقتصادی را در قسمت‌های فقیر جامعه افزایش می‌دهد (۶). در این راستا برابری فرصت‌های آموزشی^۳، شامل درونداد، فرایند و برونداد مساوی است (۷).

خودشکوفایی تحصیلی، میل به بهتر و بهتر شدن نسبت به آنچه که یک فرد هست و آن چیزی شدن که یک فرد ظرفیت شدن آن را دارد. توسط راجرز^۴ (۱۹۵۱) و مازلو^۵ (۱۹۵۴) هنوز هم به عنوان سازه‌ای تأثیرگذار قلمداد می‌شود (۸). و برای انسان‌های خودشکوفای ویژگی‌هایی همچون درک کافی از واقعیت، احساس ارزشمندی و یکتایی، پذیرش و احترام نسبت به خویش، خلایق، درجه بالایی از خودمختاری شخصی و مسئولیت‌پذیری ذکر کرده است. مفهوم خودشکوفایی در بالاترین سلسله‌مراتب نظریه نیازهای مازلو به عنوان سطح نهایی توسعه روانی فرد قلمداد می‌شود. وقتی که فرد نیازهای سلسله‌های پایین را تا حدودی بتواند ارضاء کند به این سطح روانی دست خواهد یافت، فردی به این مرحله دست می‌یابد که علاوه بر ارضاء نیازهای سلسله‌مراتب پایین‌تر، بتواند تمام توانمندی‌های بالقوه

^۱. Education^۲ Equal Opportunities in Education^۳ Equal Educational Opportunities^۴ Rogers^۵ Maslow

خویش را به کارگیرد (۹). خودشکوفایی تحصیلی^۱ دانش‌آموزان از جمله اهداف عالی آموزش و پرورش است. فرد خودشکوفای بین حال، آینده و گذشته پیوندی ایجاد می‌کند و نیاز زیادی به محرک‌های ذهنی دارد، به طوری که از هوش خود کمک می‌گیرد و به سمت ناشناخته‌ها پیش می‌رود و پذیرش زیادی برای تجربه‌های جدید دارد. در بررسی فرایندهای شناختی مازلو بر این باور است که خودشکوفایی به سطوح بالاتر و کارآمدتر شناخت مربوط می‌شود. فرد خودشکوفای واقعیت‌ها را بهتر می‌شناسد و قابلیت استدلال زیادی دارد. وکسلر^۲ (۱۹۷۴) معتقد است که خودشکوفایی به طور معنی‌داری با توانایی فراوان تمیزدادن و متحد کردن عملکردهای شناختی ارتباط دارد. افراد خودشکوفای راحت‌تر می‌توانند تصنعی بودن افراد را تشخیص دهند. صورت ظاهر آن‌ها را گول نمی‌زند و می‌توانند به صورت مثبت و منفی که به راحتی برای اغلب افراد آشکار نیستند، پی ببرند. افراد خودشکوفای بینش خود را به جای وسیله در نظر می‌گیرند. اغلب به صورت هدف می‌انگارند. از انجام دادن هر کاری به خاطر خود لذت می‌برند (۱۰). تفاوت‌های فردی مسئله مهمی است که در تعلیم و تربیت انسان‌ها حائز اهمیت است. گاردنر^۳ (۱۹۸۳) در تبیین ماهیت استعداد، افراد را دارای مجموعه‌ای از استعدادهای زبانی، منطقی ریاضی، فضایی، موسیقایی، بدنی جنبشی، میان فردی، درون فردی و طبیعت‌گرا می‌داند و معتقد است که هر فرد ضمن دارا بودن توانایی‌های نسبی در تمام آن‌ها، در یکی از آن‌ها زنده‌تر است (۱۱ و ۱۲). در تعریف جدیدتر استعداد درخشان^۴، منعکس کننده ارزش‌های موجود در جامعه است (۱۳). کودکان و جوانان با استعداد برتر^۵، قابلیت عملکرد بالایی را در حیطه‌های عقل ذهنی، خلاقیت و یا هنر، دارا بودن قابلیت رهبری خارق‌العاده یا برتری داشتن در یک زمینه تحصیلی خاص از خود نشان می‌دهند. آن‌ها به خدمات و فعالیت‌هایی نیاز دارند؛ که معمولاً توسط مدارس ارائه نمی‌شود (۱۴). رنزولی^۶ (۲۰۰۹) معتقد است که برای شناسایی فراگیران مستعد، باید سه عنصر خلاقیت، تعهدکاری و توانایی بالاتر از سطح متوسط را مورد توجه قرار داد (۱۱). در سال‌های اخیر مطالعاتی که بر روی ۲۱ کشور اروپایی صورت گرفته است نشان می‌دهد؛ که توجه به شناسایی دانش‌آموزان بااستعداد و ایجاد فرصت‌های لازم برای رشد آن‌ها در محیط کلاسی معمول، یکی از مهم‌ترین پایه‌های توسعه اقتصادی می‌باشد (۱۵). به زعم نویدی (۱۳۹۸)، دریافت تکمیل فرایند شناسایی استعدادها برتر و تعریف عملیاتی هدایت استعدادها

^۱ Self-Actualization^۲ Wexler^۳ Gardner^۴ Gifted student^۵ Superior talent^۶ Renzulli

برتر روشن نیست. مسئولان آموزش و پرورش به اندازه کافی توجه نشده‌اند و به اهداف طرح شهاب متعهد نیستند و پیامدهای منفی و گریزناپذیر طرح شهاب را خاطر نشان کرده‌اند (۱۶). چراغ ملایی (۱۳۹۷) با تحلیل نتایج، مسائلی را مطرح ساخت که پاسخ به آن‌ها و برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند گام مؤثری در بالا بردن کیفیت دوره تأمین مدرس برنامه شهاب باشد (۱۷). حمزه‌لو و مقدسی (۱۳۹۶) نشان دادند که چهار شاخصه مطرح در طرح شهاب؛ شناسایی، هدایت و حمایت آموزشی دانش‌آموزان، حمایت تربیتی و معنوی از دانش‌آموزان دارای استعداد برتر، به‌منظور بهره‌مندی از توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها، پرورش استعدادهای برتر و سرآمد و ایجاد سازوکارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان و تقویت و درونی کردن هویت دینی و ملی واجدان استعدادهای برتر در دوره‌های تحصیلی مختلف آموزشی عمومی به‌منظور احساس مسئولیت در نظر گرفته شده است (۱۸). عموپور (۱۳۹۶) نشان داد معلمان آگاه بایستی به فنون راهنمایی و روش‌های استفاده صحیح از تشویق و تنبیه در راستای هر چه بهتر اجرا نمودن برنامه ملی شهاب آشنا باشند و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهند (۱۹). حیدرزاده و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که میانگین نمره‌ی عدالت آموزشی و فرسودگی تحصیلی کمتر از میزان متوسط بوده است. همچنین ارتباط معناداری بین عدالت آموزشی با فرسودگی تحصیلی وجود داشته است. ولی بین عدالت آموزشی با پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری مشاهده نشد و عدالت آموزشی از جمله متغیرهایی است که می‌تواند بر میزان فرسودگی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار باشد (۲۰). شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳) نشان دادند از جنبه نرخ‌های ثبت‌نام و پوشش تحصیلی و نیز از حیث میزان دسترسی به معلمان مقطع ابتدایی، مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی و گروه پسران نسبت به گروه دختران برتری دارند. در زمینه دسترسی به فضاهای آموزشی مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برخوردارتر بوده‌اند و در مورد نرخ بازده‌های آموزشی، دختران نسبت به پسران و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برتری دارند (۲). شهائیان و یوسفی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیدند که بین خودشکوفایی، رضایت از زندگی و نیاز به شناخت در دانش‌آموزان با استعدادهای درخشان رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۱). گالی و کانگ^۱ (۲۰۱۶) نشان دادند نابرابری فرصت آموزشی مردم چین از محل سکونت، تحصیلات پدر، گروه همسالان، استان محل اقامت، وابستگی حزبی، جنسیت، بُعد خانوار و قومیت نشأت می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نظام آموزشی چین با آرمان برابری فرصت فاصله بسیار دارد و سهم نابرابری فرصت از کل نابرابری آموزشی در میان گروه‌های همسال کم سن‌تر بیشتر شده است (۲۲). گامبوا و والتنبرگ^۲ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد، نابرابری غیرمنصفانه میان کشورها در هر دو سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ از ۱۱ تا ۱۵ درصد متغیر بود. برزیل و بعد از

^۱ Golley & Kong^۲ Gamboa & Waltenberg

آن مکزیک در سال ۲۰۰۶ بیشترین نابرابری ناعادلانه و آرژانتین و کلمبیا کمترین نابرابری ناعادلانه را نشان داده‌اند. در سال ۲۰۰۹ نابرابری ناعادلانه در اروگوئه و برزیل از همه جا بیشتر و در مکزیک و شیلی از همه جا کمتر بوده است (۲۳). اسد^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و گارت^۲ (۲۰۰۹) دریافتند ۵۵ سال پیش، در آمریکا، تبعیض نژادی در آموزش را برخلاف قانون اساسی اعلام کردند اما هنوز به افراد کم‌درآمد و غیرسفیدپوست، آموزش با کیفیت پایین ارائه می‌شود. به‌منظور حذف نابرابری موجود در سیستم آموزشی، باید شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد نیز مورد توجه قرار گیرد (۲۴ و ۲۵). ریل^۳ (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که کاهش نابرابری، چالش مهم نظام‌های مستلزم تخصیص معلمان با کیفیت، تسهیلات مناسب و کافی، مواد آموزشی مناسب، کاربرد فناوری و افزایش زمان یادگیری است. آگاه کردن برنامه ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت‌های آموزشی، راهکاری مهم در جهت تحقق برابری فرصت‌ها قلمداد شده است (۲۶). ایلدریگی^۴ (۲۰۱۲) معتقد است که وجود برابری آموزشی می‌تواند، منجر به ارتقای سطح عملکرد فراگیرانی گردد که دارای تفاوت‌های فردی در زمینه‌های مختلفی مانند عملکرد تحصیلی، طبقه اجتماعی، شرایط اقتصادی و فرهنگی هستند (۲۷). گاتمن^۵ (۲۰۱۰) برابری فرصت‌های آموزشی را به سه بُعد حداکثرسازی، برابرسازی و نخبه‌پروری تقسیم‌بندی می‌کند و معتقد است که دولت وظیفه دارد فرصت برابر با این شاخص‌ها را برای دانش‌آموزان مهیا سازد. برابر اعلام یونسکو^۶ (۲۰۰۹) گزارش‌ها نشان می‌دهد که جوامع در حال تغییر از جوامع صنعتی به جوامع اطلاعاتی هستند که در آن‌ها ایجاد و توزیع دانش در درجه اول اهمیت قرار دارد. با چالش‌هایی که به‌واسطه تأمین اهداف توسعه قرن بیست‌ویکم و اهداف آموزش برای همه، فراروی جامعه بین‌الملل قرار گرفته است، فرض نمودن اینکه، توزیع معمول آموزش کیفیت و فرصت‌های آموزشی برابر برای همه را تا سال (۲۰۱۵) تأمین می‌کند، غیر واقع‌گرایانه است. یونسکو (۲۰۰۹) اعلام می‌دارد که شکی نیست که توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها برای اقشار محروم که از امکانات مالی محدود برخوردارند، یکی از آرمان‌های مطلوب یک جامعه تساوی خواه و عدالت‌طلب است و مسلم است که آموزش عالی می‌تواند یکی از کانال‌های مهم توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های آموزشی برای قشرهای بیشتری از جامعه باشد (۶). نابرابری آموزشی امکان تحرک اجتماعی و رقابت را برای این طبقات تضعیف نموده و اعمال محدودیت در امکان‌ها و فرصت‌های آموزشی، هرگونه آموزش

^۱ Assaad^۲ Garret^۳ Rebell^۴ Eldridg^۵ Gatman^۶ UNESCO

مکمل را بازداشته و آموزش‌های ضروری را محدود می‌سازد. در نتیجه، فقر موقعیتی در این طبقات از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و روزه‌روز بر شکاف طبقاتی افزوده خواهد شد. این مسأله برای پیشرفت جوامع (به‌خصوص کشورهای در حال توسعه) می‌تواند معضلی اساسی تلقی شود (۶). برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌گردد که همه افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند. از نظر فرگوسن^۱ (۱۹۹۸) این هدف، امروزه در سطح بین‌المللی پذیرفته شده، اما کاملاً تحقق نیافته است. در همین رابطه گاتمن سه شاخص حداکثرسازی، برابرسازی و نخبه‌پروری را برای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی بیان نموده است. گاتمن معتقد است، دولت می‌تواند منابع زیادی به آموزش در به حداکثر رساندن فرصت برای همه دانش‌آموزان اختصاص دهد. وی این رویکرد را حداکثرسازی نامیده است؛ اما شواهد تجربی تاکنون نشان داده‌اند که این رویکرد در نظام آموزشی که دارای منابع محدود هستند، عملی نیست. در رویکرد برابرسازی، شانس زندگی دانش‌آموزان محروم را مانند دانش‌آموزان ثروتمند افزایش می‌دهد. رویکرد برابرسازی، به برابری نتایج اشاره دارد و برای دستیابی به این امر، باید همه‌ی موانع طبیعی و محیطی دستیابی به سطوح متفاوت آموزش از بین بروند. در مورد رویکرد نخبه‌پروری منابع آموزشی باید به نسبت توانایی طبیعی و انگیزه یادگیری افراد توزیع شود. این رویکرد بیان می‌کند که آموزش باید به اندازه کافی برای همه دانش‌آموزان ارائه شود تا افراد زندگی خوبی داشته باشند و همچنین بتوانند در فرآیندهای دموکراتیک که انتخاب‌های بهتر افراد را شکل می‌دهد، مشارکت فعال داشته باشند. می‌توان نخبه‌پروری مدنظر گاتمن را، جریان استعدادیابی و کشف خلاقیت‌های دانش‌آموزان دانست. اشاره گاتمن به توانایی طبیعی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان، شناسایی توانایی‌های درونی و استعدادهای نهفته است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین نخبه‌پروری مورد نظر گاتمن، کشف استعدادها و پرورش خلاقیت‌های نهفته در ذهن دانش‌آموزان است که می‌توان آن را جریان استعدادیابی نیز تعبیر کرد (۶). در ایران نیز مسئله شناسایی، جذب و حمایت از استعدادهای برتر در اسناد بالادستی نظیر "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴"، "نقشه جامع علمی کشور"، "سند راهبردی کشور در امور نخبگان" و "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" نمود بارزی دارد (۱۷). طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (طرح شهاب) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در بند ۱۶ از بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، بند ۳ از هدف‌های کلان، چشم‌انداز، راهکار ۳ در هدف عملیاتی ۲۱ هدف عملیاتی ۱۶، راهکار ۷ از هدف عملیاتی ۵، راهبرد ملی ۲ از راهبرد کلان ۱، سند راهبردی کشور در امور نخبگان و همچنین اصول ۷ و ۱۱ از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در سند برنامه‌درسی ملی "عدالت آموزش"، شناسایی و رشد استعدادهای فراگیران، "توجه به تفاوت‌ها" و "رعایت انعطاف‌پذیری در برنامه‌های درسی و تربیتی" به‌عنوان یک

^۱ Ferguson

وظیفه مسلم پیش‌روی نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را موظف می‌نماید تا به افراد مختلف متناسب با استعدادها و توانایی‌های بالقوه و بالفعلشان در حد امکانات و محدودیت‌های موجود ارائه خدمات نمایند تا بتوانند توانایی‌های خود را به فعلیت درآورده و استعدادهای شکوفا شده را در جهت مناسب هدایت کنند. از زاویه‌ای دیگر، استعدادهای برتر امروز، به طور بالقوه نخبگان آینده یک جامعه هستند که در صورت شناسایی به‌موقع و هدایت صحیح می‌توانند ضمن شکوفایی و موفقیت فردی، در بهبود و پیشرفت وضعیت جامعه نیز ایفای نقش نمایند. این امر مسئولیت نظام آموزش و پرورش و متولیان آن را در قبال این افراد دو چندان می‌کند. همچنین توجه به تفاوت‌های فردی باعث می‌شود که معلم بداند هر دانش‌آموز به میزان توانایی و استعداد خویش ظرفیت چه مقدار یادگیری را دارد تا بتوانیم در جهت درست، آن را هدایت کنیم (۲۸).

برنامه شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) "به‌عنوان نخستین سند رسمی مأموریت بنیاد ملی نخبگان در حوزه دانش‌آموزی، به تصویب رسید. مأموریت این برنامه شناسایی، هدایت و حمایت آموزشی، تربیتی و معنوی دانش‌آموزان با استعداد از دوره ابتدایی تا پایان دوره پیش‌دانشگاهی و زمینه‌سازی برای استمرار حمایت‌ها در مراحل مختلف آموزش عالی است (۲۹). طرح شهاب میلی به جداسازی دانش‌آموزان ندارد و معتقد است همان‌گونه که در جامعه، افراد مختلف کنار هم ناچار به تعامل با یکدیگر هستند، در مدرسه نیز باید استعدادهای مختلف کنار هم باشند. این طرح مطرح شده تا همه دانش‌آموزان ایرانی صرف‌نظر از این که متعلق به کدام جایگاه اجتماعی هستند و در کدام عرصه جغرافیایی زندگی می‌کنند، فرصت کشف استعدادهایشان را بیابند و به راهی هدایت شوند که برای آن خلق شده‌اند. این شناسایی فرایندی نقطه‌ای نیست که مثلاً از افراد آزمونی گرفته شود و اگر نمره‌شان خوب بود، آن‌ها را نخبه بنامند، بلکه استعداد باید در طول زمان رصد شود و پس از این‌که، وجود یک یا چند استعداد در یک دانش‌آموز مسجل شد، آنگاه برای شکوفایی این استعداد برنامه‌ریزی شود (۳۰). نظام آموزشی کشور نیز با هدف توجه به تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان و رشد استعدادهای آنان طرح شهاب را برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر اجرا نموده است. در این طرح، استعداد برتر به دانش‌آموزی اطلاق می‌شود که با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود، امکان تبدیل شدن به فردی برجسته و کارآمد را دارد و می‌تواند در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور گردد، طبق بررسی‌های محقق، تأثیر طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی تحصیلی را مورد بررسی قرار نگرفته و لذا در راستای تحقق عدالت آموزش، شناسایی و رشد استعدادهای فراگیران، توجه به تفاوت‌ها و رعایت انعطاف‌پذیری در برنامه‌های درسی و تربیتی و به‌ویژه رعایت تفاوت‌های فردی و فرصت‌های برابر آموزشی به‌عنوان یک وظیفه مسلم پیش‌روی نظام آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در صورت شناسایی صحیح

استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان و هدایت مناسب آنان می‌توانند ضمن شکوفایی و موفقیت فردی، در بهبود و پیشرفت وضعیت جامعه نیز ایفای نقش نمایند و از هزینه‌ها نیز کاسته خواهد شد. لذا پژوهش حاضر درصدد است به این سوال پاسخ دهد که:

آیا طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تاثیرگذار بوده است؟

فرضیه های پژوهش

طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش دانش‌آموزان تأثیر دارد.

طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر

دارد.

۲. روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر جمع‌آوری اطلاعات از نوع پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نوع مطالعه علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان کلاس پنجم شهرستان شیروان به تعداد ۲۵۵۰ نفر که طرح شهاب را گذرانده‌اند و دانش‌آموزان کلاس ششم به تعداد ۲۱۰۰ نفر که طرح شهاب را گذرانده‌اند می‌باشد. نمونه آماری با استفاده از جدول گرجسی-مورگان ۳۳۴ نفر کلاس پنجم که طرح شهاب را نگذرانده‌اند و ۳۲۵ نفر کلاس ششم که طرح شهاب را گذرانده‌اند می‌باشد؛ که به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در این پژوهش به دو طریق کتابخانه‌ای و پرسشنامه انجام شد و در بُعد میدانی، دانش‌آموزان کلاس پنجم که طرح شهاب را نگذرانده‌اند و دانش‌آموزان کلاس ششم که طرح شهاب را گذرانده‌اند با هم مقایسه شدند. از پرسشنامه‌های زیر، به این منظور استفاده شده است :

الف- پرسشنامه برابر فرصت آموزشی جوانمرد (۱۳۹۳) مشتمل بر ۲۰ سؤال است؛ که سه بُعد حداکثرسازی، برابرسازی و نخبه‌پروری را مورد سنجش قرار می‌دهد. دامنه پاسخ‌گویی به سؤالات این پرسشنامه نیز، طیف پنج گزینه‌ای لیکرت است که دامنه‌ی خیلی کم تا خیلی زیاد را دربر می‌گیرد. در این طیف سؤال‌های با بار معنایی مثبت، خیلی زیاد بیشترین امتیاز (۵) و خیلی کم، کمترین امتیاز (۱) را به خود اختصاص می‌دهد. در سؤال‌های با بار معنایی منفی، شیوه نمره‌گذاری برعکس می‌باشد.

ب- پرسشنامه خودشکوفایی تحصیلی اهواز (۱۳۸۷) که دارای ۲۵ گویه با درجه طیف لیکرت می‌باشد، استفاده شده است. این بخش قسمت اصلی پرسشنامه را شامل می‌شود و نظرات دانش‌آموزان متوسطه را درمورد خودشکوفایی به‌وسیله ۲۵ سؤال مورد پرسش قرار می‌دهد. روایی ابزار از نوع صوری و محتوایی بود که مورد تایید اساتید و خبرگان قرار گرفت و پایایی ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ

محاسبه گردید؛ که هر کدام، به ترتیب (۰/۷۱) و (۰/۸۷) برآورد گردید. داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تنظیم شد. داده‌های حاصل از ابزارهای اندازه‌گیری با روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل نرمال بودن داده‌ها، برای مقایسه داده‌ها از روش آزمون T با نرم‌افزار spss نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل استفاده شد.

۳. یافته‌ها

جهت تعیین نوع آماره سنجش، فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف نرمال بودن و یا عدم نرمال بودن را مشخص می‌کنیم. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون تحقیق، بیشتر شدن سطح معناداری از ۵٪ گویای نرمال بودن متغیر وابسته است.

جدول ۱. آزمون کولموگروف - اسمیرنف

متغیر	مؤلفه	کولموگروف - اسمیرنف	پی-مقدار
نگذرانده	فرصت برابر آموزش	۰/۰۸۷	۰/۰۵۰
	خودشکوفایی	۰/۰۵۸	۰/۰۸۲
گذرانده	فرصت برابر آموزش	۰/۰۹۷	۰/۰۶۲
	خودشکوفایی	۰/۰۶۹	۰/۰۵۱

همان‌گونه که مشخص است کلیه داده‌ها نرمال هستند، چون پی-مقدار آن‌ها بیش از مقدار پی که برابر ۵٪ است، می‌باشد

آمار توصیفی داده‌های پرسشنامه‌های خودشکوفایی و فرصت برابر آموزش

جدول ۲. آمار توصیفی داده‌ها

گروه	متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار
گذرانده	خودشکوفایی	۶۰/۷۷	۲۷/۱۵	۵/۲۱
	فرصت برابر آموزش	۶۳/۵۱	۱۸۹/۳۴	۱۳/۷۶
	حداکثرسازی	۱۹/۵۸	۲۶/۸۵	۵/۱۸
	برابرسازی	۱۸/۳۱	۲۰/۷۶	۴/۵۵
	نخیه‌پروری یا استعدادیابی	۲۵/۶۱	۳۱/۵۱	۴/۶۱
نگذرانده	خودشکوفایی	۵۳/۷۸	۴۵/۵۴	۶/۷۴
	فرصت برابر آموزش	۵۷/۰۷	۱۲۸/۴۳	۱۱/۳۳
	حداکثرسازی	۱۸/۰۵	۲۱/۳۵	۴/۶۲
	برابرسازی	۱۶/۹۸	۱۷/۰۴	۴/۱۲
	نخیه‌پروری یا استعدادیابی	۲۲/۰۳	۲۶/۱۴	۵/۱۱

پرسشنامه بررسی شده تغییرات زیادی را در دو گروه گذرانده و نگذرانده نشان می‌دهد. در پرسشنامه خودشکوفایی در گذرانده ۶۰/۷۷ و در گروه نگذرانده ۵۳/۷۸ است. فرصت برابر آموزش در گروه گذرانده ۶۳،۵۱ و در گروه نگذرانده ۵۷/۰۷ می‌باشد.

فرضیه اصلی: طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول ۳. تأثیر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی روی دانش‌آموزان

متغیر	تعداد	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	فیشر	سطح معناداری
خودشکوفایی	۳۲۵	گذرانده	۶۰/۷۷	۵/۲۱	۱۴/۸۴	۶۵۸	۲۰/۲۷	۰/۰۰۰
	۳۳۴	نگذرانده	۵۳/۷۸	۶/۷۴	۱۴/۹۰			
فرصت	۳۲۵	گذرانده	۶۳/۵۱	۱۳/۷۶	۶/۵۶	۶۵۸	۱۸/۸۴	۰/۰۰۰
	۳۳۴	نگذرانده	۵۷/۰۷	۱۱/۳۳	۶/۵۴			

با توجه به جدول مقدار فیشر ۲۰/۲۷، برای خودشکوفایی ۱۸/۸۴، برای فرصت برابر آموزش و معنادار شدن آن‌ها در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ با اطمینان ۹۹ درصد، تأثیر طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر دانش‌آموزان پایه ششم که این دوره‌ها را گذرانده‌اند نشان می‌دهد. فرضیه فرعی اول: طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش دانش‌آموزان تأثیر دارد.

با توجه به اینکه میانگین گروه گذرانده بیشتر بوده پس می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفت که طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش دانش‌آموزان تأثیر دارد. دو گروه کسانی که این طرح را گذرانده و یا نگذرانده با هم مقایسه شده‌اند. برای مقایسه این دو گروه آزمودنی از آزمون آماری T مستقل با دقت احتمال $p = ۰/۰۱$ و ضریب اطمینان ۹۹ درصد استفاده شده است.

جدول ۴. مقایسه فرصت برابر آموزش در دو گروه گذرانده و نگذرانده طرح شناسایی و هدایت

استعدادهای برتر

گروه‌ها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری
فرصت برابر آموزش	گذرانده	۶۳/۵۱	۱۳/۷۶	۶۵۸	۶/۵۶	۰/۰۰
	نگذرانده	۵۷/۰۷	۱۱/۳۳			

طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر برای پاسخ‌دهندگان در گروه گذرانده در مقایسه با پاسخ‌دهندگان در گروه نگذرانده برای شرایط فرصت برابر آموزش تأثیرگذارتر بوده است.

جدول ۵. مقایسه مؤلفه‌های فرصت برابر آموزش در دو گروه گذرانده و نگذرانده طرح (شهاب)

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری
حداکثر سازی	گذرانده	۱۹/۵۸	۵/۱۸	۶۵۸	۳/۹۹	۰/۰۰۴
	نگذرانده	۱۸/۰۵	۴/۶۲			
برابر سازی	گذرانده	۱۸/۳۱	۴/۵۵	۶۸۵	۳/۹۳	۰/۰۱۶
	نگذرانده	۱۶/۹۸	۴/۱۲			
نخبه‌پروری یا استعدادیابی	گذرانده	۲۵/۶۱	۵/۶۱	۶۵۸	۸/۵۶	/۰۱۹
	نگذرانده	۲۲/۰۳	۵/۱۱			

بر اساس جدول ۵، سه مؤلفه حداکثرسازی، برابرسازی و نخبه‌پروری برای متغیر فرصت برابر آموزش به ترتیب با مقادیر ۳/۹۹، ۳/۹۳ و ۸/۵۶ در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار شده‌اند. طرح آموزشی شهاب در گروه کلاس ششم در مؤلفه‌های ذکر شده تأثیر مناسبی داشته است.

فرضیه فرعی دوم: طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. دو گروه کسانی که این طرح را گذرانده و یا نگذرانده با هم مقایسه شده‌اند. برای مقایسه این دو گروه آزمودنی، از آزمون آماری T مستقل با دقت احتمال $p = 0/01$ و ضریب اطمینان ۹۹ درصد استفاده شده است.

جدول ۶. مقایسه خودشکوفایی در دو گروه گذرانده و نگذرانده طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری
خودشکوفایی	گذرانده	۶۳/۷۷	۵/۲۱	۶۵۸	۱۴/۸۴	۰/۰۰۰
	نگذرانده	۵۳/۷۸	۶/۷۴			

جدول ۶ نشان می‌دهد که با توجه به اینکه میانگین گروه گذرانده بیشتر بوده پس می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفت که طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر برای پاسخ‌دهندگان در گروه گذرانده در مقایسه با پاسخ‌دهندگان در گروه نگذرانده برای شرایط فرصت برابر آموزش، تأثیرگذارتر بوده است. مقدار ۱۴/۸۴ برای T در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار شده است که نشان از تفاوت در دو گروه گذرانده و نگذرانده دوره شهاب دارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی این تحقیق عبارت است از: « طرح شناسایی و هدایت استعدادها برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد». با اطمینان ۹۹ درصد، طرح

شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش و خودشکوفایی تحصیلی در دانش‌آموزان که این دوره‌ها را گذرانده‌اند، تأثیرگذار بود. دانش‌آموزان با استعداد برتر، در مقایسه با سایر افراد هم‌سن و دارای محیط و تجربه یکسان، توان بالقوه‌ای را برای پیشرفت، در سطح قابل توجه‌ای انجام یا نشان می‌دهند. این دانش‌آموزان قابلیت عملکرد بالایی را در حیطه‌های عقل ذهنی، خلاقیت و یا هنر، دارا بودن قابلیت رهبری خارق‌العاده یا برتری داشتن در یک زمینه تحصیلی خاص از خود نشان می‌دهند. شناسایی و ضرورت هدایت واجدان استعداد برتر در مقطع ابتدایی باعث می‌گردد که دانش‌آموزان در شناخت خود و تصمیم‌گیری مناسب یاری شوند. طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر برای پاسخ‌دهندگان در گروه گذرانده در مقایسه با پاسخ‌دهندگان در گروه نگذرانده برای شرایط فرصت برابر آموزش تأثیرگذارتر بوده است. در این رابطه یافته‌های پژوهش‌های نویدی (۱۳۹۸)، چراغ ملایی (۱۳۹۷)، حمزه‌لو و مقدسی (۱۳۹۶)، عموپور (۱۳۹۶)، حیدرزاده و همکاران (۱۳۹۵)، شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳)، شهائیان و یوسفی (۱۳۸۶)، گالی و کانگ (۲۰۱۶)، گامبو و والتنبرگ (۲۰۱۵)، استاسد و همکاران (۲۰۱۴) و گارت (۲۰۰۹) و ریل (۲۰۰۲) با یافته پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

فرضیه فرعی اول این پژوهش عبارت است از: «طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر فرصت برابر آموزش دانش‌آموزان تأثیر دارد». با اطمینان ۹۹ درصد طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) برای پاسخ‌دهندگان در گروه گذرانده در مقایسه با پاسخ‌دهندگان در گروه نگذرانده، برای شرایط فرصت برابر آموزش تأثیرگذارتر بوده است. عموپور (۱۳۹۶) به این نتیجه رسید که معلمان آگاه بایستی به فنون راهنمایی و روش‌های استفاده صحیح از تشویق و تنبیه در راستای هر چه بهتر اجرا نمودن برنامه ملی شهاب آشنا باشند و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهند که این مطالعه اصولی و هدف‌دار باعث می‌گردد معلمان در روند اجرای طرح مذکور علاوه بر شناسایی استعدادهای برتر به هدایت آن استعدادهای در راستای گویه‌های داده شده بپردازد. حمزه‌لو و مقدسی (۱۳۹۶) نشان دادند که چهار شاخص مطرح در طرح شهاب؛ شناسایی، هدایت و حمایت آموزشی دانش‌آموزان، حمایت تربیتی و معنوی از دانش‌آموزان دارای استعداد برتر به‌منظور بهره‌مندی از توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها، پرورش استعدادهای برتر و سرآمد و ایجاد سازوکارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان و تقویت و درونی‌کردن هویت دینی و ملی واجدان استعدادهای برتر در دوره‌های تحصیلی مختلف آموزشی عمومی به‌منظور احساس مسئولیت در نظر گرفته شده است.

فرضیه فرعی دوم این تحقیق عبارت است از: «طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب) بر خودشکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان شیروان تأثیر دارد». طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر برای پاسخ‌دهندگان در گروه گذرانده در مقایسه با پاسخ‌دهندگان در گروه نگذرانده برای شرایط فرصت برابر آموزش تأثیرگذارتر بوده است. برابری فرصت‌های آموزشی، مفهومی است نسبی

که به تبع شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه در حال تغییر است و شامل برابری فرصت‌های آموزشی به معنی درونداد مساوی، برابری فرصت‌های آموزشی به معنی فرایند مساوی و برابر و برابری فرصت‌های آموزشی به معنی برونداد مساوی است (۷).

اجرای هرچه بیشتر برابری آموزشی در راستای رفع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های بین‌رشته‌ای، منجر به افزایش انگیزه دانش‌آموزان و افزایش خودشکوفایی خواهد شد. نابرابری آموزشی و عدم شکوفایی امکان تحرک اجتماعی و رقابت را برای این طبقات تضعیف نموده و اعمال محدودیت در امکان‌ها و فرصت‌های آموزشی، هرگونه آموزش مکمل را بازداشته و آموزش‌های ضروری را محدود می‌سازد. در نتیجه، فقر موقعیتی در این طبقات از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و روزه‌روز بر شکاف طبقاتی افزوده خواهد شد. این مسأله برای پیشرفت جوامع (به‌خصوص کشورهای درحال توسعه) می‌تواند معضلی اساسی تلقی شود. در برنامه ملی طرح شهاب، به دنبال شناسایی آن دسته از دانش‌آموزان بااستعدادی هستیم که به دلیل ناآشنایی خانواده یا معلمان و مربیان با ویژگی‌های کودکان با استعداد، به‌صورت ناشناخته باقی‌مانده‌اند، یا به دلیل عدم امکان دسترسی به فرآیندهایی همچون جشنواره‌ها و غیره نتوانسته‌اند استعداد و توانایی‌های خود را به نهادهای نخبگانی عرضه نمایند. این طرح، علاوه بر ایجاد فرصت‌های بیشتر برای شناسایی دانش‌آموزان مستعد، امکان خودشکوفایی تحصیلی را نیز فراهم می‌کند. ریشه‌یابی مشکلات خودشکوفایی دانش‌آموزان با استعداد برتر و فرصت‌های برابر آموزشی آنان و اتخاذ راهکارهای مناسب برای ارتقای آنان در بین دانش‌آموزان دیگر می‌تواند به آنان کمک کند تا خود را بهتر نشان دهند.

فرآیندهای شناسایی و هدایت دانش‌آموزان بااستعداد در محیط مدرسه، با محوریت معلم، دبیران و دیگر عوامل آموزشی و تربیتی و بدون جداسازی از کلاس و مدرسه‌شان صورت می‌پذیرد؛ بنابراین افراد شناسایی‌شده در بستر زندگی معمول و تحصیل عادی خود، مسیر تعالی اختصاصی خود را در پیش می‌گیرند. با این‌که موفقیت دانش‌آموزان به توانایی و استعداد آن‌ها بستگی دارد، اما دسترسی به منابع و امکانات آموزشی، مدرسه خوب و معلم متخصص می‌تواند موفقیت‌های بعدی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. فراهم آوردن فرصت‌های برابر در آموزش، یکی از مهم‌ترین ابزار توزیع رفاه و فرصت‌های اقتصادی است. بدین منظور تلاش می‌شود تا فرصت‌های آموزشی یکسان را برای گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم فراهم سازند. متغیرهای طبقه اجتماعی، نابرابری اجتماعی و اختلاف‌های طبقاتی بر بسیاری از مقوله‌ها از جمله عملکرد تحصیلی و موفقیت‌های بعدی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. متغیرهای طبقه اجتماعی، نابرابری اجتماعی و اختلاف‌های طبقاتی بر بسیاری از مقوله‌ها از جمله عملکرد تحصیلی و موفقیت‌های بعدی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. برای نمونه، اختصاص به طبقه اجتماعی بالا شأن اجتماعی را سبب شده، مطلوبیت انگیزشی را بالا برده و جابه‌جایی طبقاتی را مقدور می‌سازد. برعکس، تعلق به طبقات اجتماعی پایین، حساسیت تحصیلی والدین و اعمال نظارت بر کار درسی دانش‌آموز را تقلیل داده و شکوفایی تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

جایگاه رفیع آموزش و وجود استعدادهای سرشار و توانمند در کل کشور، وجود برابری آموزشی را بیشتر ضروری می‌سازد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود: فراهم آمدن شرایط خودپذیرا دانش‌آموز مستعد در زمینه استعداد خاص او، هدایت در بستر طبیعی تربیتی دانش‌آموز و پرهیز از جداسازی، برگزاری جلسات مشترک خانواده و مدرسه در خصوص جلب همکاری و مشارکت والدین، برگزاری کارگاه‌های مختلف جهت رشد یکپارچگی شخصیتی و شناختی در دانش‌آموز مستعد، آموزش از طریق برگزاری کارگاه جهت جدیت دانش‌آموز مستعد در راه و خط‌مشی هدایت استعداد، تقویت روحیه تلاشگری و سخت‌کوشی دانش‌آموز مستعد برای هدایت استعداد خاص او با برگزاری کارگاه‌های مختلف، تأکید بر مشوق‌های درونی در برابر مشوق‌های بیرونی، توسعه خدمات مشاوره‌ای و بهداشت روانی و طراحی برنامه آموزشی مناسب.

۵. منابع

- 1- Alizadeh Y. Analysis and leveling of educational development: Sample areas of education and upbringing in Ardabil province. Master Thesis in Geography and Urban Planning, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil. 2013.
- 2- Shirkrani J, Bakhtiarpour S. Evaluation of inequalities in access to educational opportunities: by case study of Dehloran primary school. Quarterly Journal of Education and Evaluation. 2014; 7 (26), 41-58. (Persian)
- 3- Afrazandeh S.S, Mirzaei T, Pouraboli B, Sabzevari S. The relationship between educational justice and civic educational behaviors from the perspective of nursing students. Journal of Medical Ethics. 2016; 10 (35), 119-140. (Persian)
- 4- Yarigholi B. Students' Experience of Instructors' Justice: A Phenomenological Study. Educ Strategy Med Sci. 2014; 7(4): 265-272.
- 5- Ghasem Yardhaei A, Haidarabadi A, Rostami N. Inequality of educational opportunities Case study: Ahar high school girl students. Journal of Sociology of Youth Studies. 2011; 1 (1), 128-147 (Persian) .
- 6- Sharifzadeh H, Salehi Omran A, gentleman A. Investigating the relationship between information technology and equal educational opportunities in Mazandaran province. Bi-Quarterly Journal of Educational Planning Studies. 2014; 3 (6), 31-54. (Persian)
- 7- Zarei Y. Analysis of educational inequalities in the regional dimension (Case study: cities of Hormozgan province). Hormozgan Cultural Research Journal. 2017; 80, 79-118. (Persian)
- 8- Naghsh S, Foroughi Abri A.A, Shafipour Motlagh F. Provide a model for determining the relationship between academic fascination, academic creativity, and academic achievement with academic self-actualization based on academic seriousness mediation. Research in Curriculum Planning. 2016; 13 (2), 134-144. (Persian)
- 9- Hosseini Dolatabadi F, Sadeghi A, Saadat S, khodayari E. The relationship between self-efficacy and self-actualization with coping strategies in students. Research in Medical Education. 2015; 6 (1), 10-17. (Persian)
- 10- Sanagou A, Taghavi A, Behnampour N, Beiky F. Investigating the status of self-actualization with some demographic factors in Golestan University of Medical Sciences students. Research in Medical Education. 2016; 8 (1), 21-28. (Persian)
- 11- Ayati M, Asadi Younesi M.R, Azadegan A. Confirmatory factor analysis of the scale of talent identification of talented students. Quarterly Journal of Educational Measurement, Allameh Tabatabai University. 2017; 7 (27), 161-181. (Persian)
- 12- Gardner H. Frames of mind: The theory of multiple intelligences. New York: Basic Books. 1983.

- 13- Abolghasemi M, zeinalipour H, Sheikh A.A, Asare A. Designing Learning-Learning Strategies Based on a Separate Approach in Talented Schools: A Combined Study. Journal of Curriculum Research, Iranian Curriculum Studies Association. 2018; 8 (2), 145-171. (Persian)
- 14- Abedi A, Manani R. An overview of how to identify talented and intelligent students. Quarterly Journal of Talent. 2014; 72, 296-302. (Persian)
- 15- Fischer C, Muller K. Gifted Education and Talent Support in Germany. C.E.P.S Journal, International Centre for the Study of Giftedness, University at Munster, Germany. 2014; 4, 31-54.
- 16- Navidi A. Evaluate the pilot implementation of the Talent Identification and Guidance Plan (Shahab). Ministry of Science. 2019; 1998, 51-72. (Persian)
- 17- Cheraghmalai I. Analyzing the period of providing a teacher for the National Program for Identifying and Guiding Top Talents (Shahab) and Evaluating It in Years 93-95. Journal of Educational Psychology. 2018; 13 (47), 25-47. (Persian)
- 18- Hamzeh Lou Z, holiness y. Investigating the importance of implementing the Shahab project to identify and guide top talents in primary schools. Third International Conference on New Horizons in Educational Sciences, Psychology and Social Injuries. 1-12 2017. (Persian)
- 19- Amoupour N. Identifying and necessitating the guidance of top talents in primary school in line with the Shahab National Program. Eleventh National Congress of Progressive Leaders. a2017; 1-8. (Persian)
- 20- Heydarzadeh A, Dehghan M, Shah Mohammadipour p, Taheri Z, Azizzadeh Foroozi M. Relationship between educational justice and burnout and academic achievement of students of Kerman University of Medical Sciences. Jundishapur Education Development Quarterly Journal of Medical Sciences Education Research and Development Center. 2015; 7 (4), 298-306. (Persian)
- 21- Shahaieian A, Yousefi F. The relationship between self-improvement, life satisfaction, and the need for cognition in gifted students. Research in Exceptional Children. 2012; 7 (3), 355-360. (Persian)
- 22- Golley J, Kong S.T. Inequality of opportunity in China's educational outcomes. China Economic Review. 2016. doi: doi.org/10.1016/j.chieco.2016.07.002
- 23- Gamboa L.F, Waltenberg F.D. Measuring inequality of opportunity in education by combining information on coverage and achievement in PISA. Educational Assessment. 2015; 20(4), 320-337.
- 24- Assaad R, Salehi-Isfahani D, Hendy R. Inequality of opportunity in educational attainment in Middle East and North Africa: Evidence from household surveys. Paper presented at the Economic Research Forum Working Paper Series. 2014.
- 25- Garret jeff. Separate and unequal A Structuralanglysis of education inequality in America. 2009. www.swirlinc.word press.com.
- 26- Rebell and femininities in the primary classroom, M. A. (), Hearing: Americ`as school: providibg equal opportunity or sthlseparte and UN equal? New York. 2003.
- 27- Eldridge C. (). Principals leading for educational equity: social justice in action. [PhD dissertation]. University of Maryland. 2012. <http://drum.lib.umd.edu/handle/1903/12669>.
- 28- Amoupour N. Study of individual differences of students in Shahab National Program. Journal of Psychological Studies and Educational Sciences. b2017; 2 (18), 49-69. (Persian)
- 29- guide top talents (shahab). Shahab Project Central Executive Headquarters of the National Center for the Development of Talents and Young Researchers, June 2014. 1-45. (Persian)
- 30- Najafi S. Identify and guide top talents (Shahab plan). Proceedings of the National Conference on Primary Education. 2014; 3007-3014. (Persian)